



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۱/۱۳

تتبع و ترجمه انجینر شیر سایی

مکتی بر تکنالوجی نوشتار- گفتار (تدقیق علمی انجینر قیس کبیر)

قسمت اول

تکنالوجی „Text to speech“ نوشتار به گفتار

ارجمند سرافراز انجینر "قیس کبیر" با دوراندیشی بی نظیر در راهی ترقی و تعالی همراه با فرایند زمان گام های بلند و فراخ برمیدارد، آقای کبیر گرانمایه خوشا به حال ات روزی که همگان خفته بودند تو (جناب) بیدار بودی؛ نه تنها همانند تمام مفلسان بدون میراث فرهنگی، از یاد زمانه نمی روید؛ بلکه نقش و شهرت فرهنگی شما بر لوح روزگار منتشر شده، پایدار و جاوید می ماند.

مقدماً در باره تکنولوژی گفتار- نوشتار، از 103 زبان نوشتاری جهان (Google Translation) این حرکت انتقالی و یا برگردان (گفتار - نوشتار) در برخی زبان ها از جمله: فارسی، پشتو، ازبیک، ترکمنی، تاجیکی، سندی، پنجابی و چند نام غیر ضروری دیگر از این تابع و عملکرد فنی محروم مانده است.

- آیا، این کار از روی عمد و قصد شده؟
- یا، بی تفاوتی علمی - فرهنگی مردمان متابع و پیرو آن است؟
- یا، زبان ها مکفی لازم و کافی این کار را ندارند؟

زبان چه است؟

زبان، خصوصیت برجسته و خاص انسان است، از یک سیستم پیچیده ساخته شده که اصوات و علائم را به هم متصل میکند، کلمات را تشکیل میدهد، از واحدهای بزرگترش جملات را میسازد، با درهم آمیختن بسیاری از جملات، در نهایت متون ایجاد می شود.

زبان به طور دایماً در حال تکامل و سیستم پیچیده از صداها و نشانه ها به منظور ارتباط است. به هر علامت در سیستم یک معنی اختصاص داده می شود. زبان در جریان معاشرت به عنوان یک رسانه بین فرستنده (گوینده / نویسنده) و گیرنده (شنونده / خواننده) عمل می کند. زبان به عنوان وسیله واقعی ارتباط در نظر گرفته می شود، زیرا اعمال، افکار و تخیلات افراد توسط زبان شکل می گیرد.

علم زبان (Linguistik)

شاخه های علم زبان شناسی عبارتند از:

- ❖ سیستم صوتی زبان (فونولوژی)
- ❖ سیستم نوشتاری زبان (اروتوگرافی)
- ❖ ساختار کلمات و اشکال کلمه (مورفولوژی)
- ❖ ساختار عبارات و جملات (نحو)
- ❖ معنی کلمات و جملات (معناشناسی)
- ❖ معنای عبارات یا گفتمان زبانی (عمل شناسی)
- ❖ فرهنگ لغات (لغت شناسی و غیره)

سیستم صوتی زبان (فونولوژی)

آواز شناسی به عنوان شاخه از زبان شناسی با سیستم مختلف آواز ها سر و کار دارد، کوچکترین واحد کلمه گفتاری که معنا را متمایز می کند. این بدان معنی است که با جایگزینی یک صدا با صدای دیگر، معنای کلمه تغییر

می کند. صوت کوچکترین جزء صدای یک کلمه با عملکرد متفاوت کلمه است. مبادله صدا معنای کلمه را تغییر می دهد، خود صدا معنی ندارد.

اورتوگرافی (Rechtschreibung) املاء صحیح

اورتوگرافی یا صحیح نوشتن، علامت گذاری پذیرفته شده عمومی کلمات یک زبان در خط نوشته شده است. هر توصیفی که با این توضیح متفاوت باشد، عموماً به عنوان اشتباه املائی شناخته می شود.

دو روش اساساً ناهمگون برای اورتوگرافی در نوشته های الفبا وجود دارد:

- I. اورتوگرافی فونیمی (نظقیات، فن آواز شناسی) [اورتوگرافی سطحی]: فونیم "Phonem" (صوت یا آواز) ساده ترین رابطه ممکن بین توالی صدا و تصویر حرف یا واحد خطی (گرافیم "Graphem") تلاش دارد. در حالت ایده آل، یک گرافیم با یک فونیم مطابقت دارد. (اورتوگرافی با 1:1 متناظر)
- II. اورتوگرافی مورفوفونیمی یا علم صرف و نحو [اورتوگرافی عمقی]: گرامر (نحو) و نیز تاریخ زبان (اتیمولوژی) روابط مشتق بین کلمات مختلف و مخصوصاً بین کلمات مزدوج، به شکل تصریف (همجوشی) یا انحراف (پذیرفتن) یک کلمه قابل رویت می شود.

رویکرد صوتی معمولاً تنها به یک نوع استاندارد از زبان مورد نظر اشاره دارد. از این نظر، اورتوگرافی صوتی عمدتاً به عنوان مثال بلغاری، فنلاندی، گرجی، ایتالیایی، صربی، اسپانیایی و ترکی است.

اورتوگرافی عربی: الفبای عربی یا اجدد عربی، خط عربی است که برای نوشتن عربی تدوین شده است. از راست به چپ با خط شکسته نوشته شده و شامل 28 حرف است. بیشتر حروف دارای شکل حروف متنی (باقتی) هستند. الفبای عربی را اجدد می دانند، یعنی فقط از حروف بی صدا استفاده می کند، مانند الفبای عبری، کاتبان بعداً ابزاری برای نشان دادن صداهای مصوت با نشانه های مصوت (صدادار) جداگانه ابداع کردند.

خط الفبایی یا خط حروف خطی است که شامل فونیم (صوت) یک زبان است. این واحدها - معمولاً حدود 20 تا 40 علامت مختلف - حروف نامیده می شوند. آنها از نظر محتوا هیچ معنایی ندارند و می توان تمام آنها را در یک الفبا خلاصه کرد. حروف هجا که به فارسی «الفبا» نامیده می شود. الفبا یا آلفیت (به انگلیسی: Alphabet) مجموعه علامت هایی است که انسان ها برای نشان دادن اصوات زبان، در بین خود قرارداد می کنند.

حروف اجدد عربی از صور هشت گانه حروف جُمَل تشکیل شده است در عرب یک الحاق نو است و مبداء قدیم ندارد. الفبای عربی بعد از الفبای لاتین و حروف چینی سومین سیستم نوشتاری پرکاربرد در جهان است و **الفبای فارسی** از آن، اقتباس شده است.

حرف: در **زبان شناسی**، کوچکترین واحد تجزیه پذیر از **زبان نوشتاری** است که موجب تمایز معنایی می شود. مثل «ر» و «ز». در لغت «مراحم» و «مزاحم».

حرف، نشانه نوشتاری صدا می باشد؛ که به حروف صدادار و بی صدا تقسیم می شود. حروف بی صدا (صامت) گفتار و حروف صدادار نشانه (مصوت) گفتارند. الفبای فارسی گروه سی و سه گانه حروف (اشکال نوشتاری) خط است.

در زبان شناسی، حرف (تکنگاره - نویسه) (به انگلیسی: Grapheme) کوچکترین نشانه یا علامتی با معنای خاص؛ سمبل یا نماد از زبان نوشتاری است که مانند حرف، موجب تمایز معنایی می شود. گرافیم (حرف) کوچکترین واحد تمایز دهنده در دستگاه خط یک زبان است.

نحو: مجموعه قواعدی که درباره آرایش کلمات برای ساخت جمله یا عبارت بحث می کند.

علمی است که موضوع آن اعراب کلمات و قوانین درست نوشتن و درست خواندن است.

موضوع علم نحو، کلمه و کلام است که آخر کلمات و الفاظ عرب را از جهت اعراب و بناء و همچنین کیفیت ترکیب کلمات با یکدیگر بررسی می کند.

علم نحو به بررسی نحوه ترکیب کلمه ها در جمله و شناخت نقش و جایگاه هر کلمه در جمله می پردازد. یکی از مهمترین وظایف این علم تشخیص حرکت (اعراب) حرف آخر کلمه می باشد.

صرف: بخشی از دستور زبان است که ساخت (بار) لغت (واژه) را مورد تحلیل قرار می دهد. صرف در دستور زبان عربی، علمی که در اشتقاق و صیغه های کلمات عربی بحث می کند و قواعدی برای نقل صیغه های افعال به دست می دهد؛ تصریف.

به عبارت دیگر، علم صرف به معنی تکواژ شناسی و بررسی ساختار واژگان می باشد که به شناخت تغییرات کلمات و هدف از تغییرات در کلمات می پردازد. علم صرف علاوه بر اینکه ما را در شناخت معنای کلمات و تسلط بر تغییرات کلمات یاری می دهد، ساخت کلمات مناسب با معانی مورد نظر را نیز میسر می رساند. صرف، علمی است که موضوع آن ساختمان و خصوصیات کلمه است و می آموزد چگونه کلمه را به صورت های گوناگون در آوریم تا معانی مختلف به دست آید.

اعراب گذاری عربی :

- همزه (ء) که بر روی حروفی مانند **ی، و، ا** می‌نشیند و نشان‌دهنده انسداد و فاصله (چاک) صوت است.
- «فَتْحَه» «كَسْرَه» «ضَمَّه» [َ – ِ – ُ] (به فارسی: زَبَر، زَبَر، زَبَر، پیش)
- **تنوین** [َ، ِ، ُ] (به فارسی: دو زَبَر، دو زَبَر، دو پیش)
- **تشدید** (ّ)
- (ْ) نشان‌دهنده صدای الف کشیده (**الف مقصوره**)
- آ، (مَدَك) نشان‌دهنده کشیدگی
- **سکون** (ْ)
- آ، (وصل) (الفی که در عربی نوشته می‌شود ولی خوانده نمی‌شود)

اروتوگرافی فارسی : خط فارسی مانند خط عربی از نوع ابجد هستند و فاقد یک حرف مستقل برای مصوت (

صدا دار یا واکه) کوتاه، در آنها مصوت های کوتاه معمولاً نانوشته باقی می ماندند و باید توسط خواننده استنباط شوند. لذا از اعراب گذاری برای ابهام زدایی و نمایش دقیق تلفظ کلمات استفاده می شود.

در اروتوگرافی سطی فارسی یعنی تناظر فونیم و گرافیم (1:1) مطابق آرزو و آرمان نیست.

حالت اورتوگرافی زبان پشتو هم در همین سطح متوقف است.

نگارش به خط فارسی که وام دار خط و حرف نویسی عرب است، نشان می دهد فاقد فرهنگ نگارش باستانی بوده، به زمان عرض اندام جدید، ناگزیر به خط عرب پناه برده اند.

.. پایان قسمت اول ..

..... ادامه دارد